# رنجِ روزگارِ فیروزه

## گزارش شهرآرا از روزگار پررنج زنی بی‌پناه

سعیده آل ابراهیم | ریزنقش است. چشم‌های سبز رنگش مانند دو تیله گرد، در فاصله کمی از ابروهایش برق می‌زند. گذرِ قافله عمر، بیشتر دندان‌های او را بهَ یغما برده است. پادرد سبب شده آهسته‌تر راه برود. فیروزه‌خانم، حالا در شصت و پنج سالگی می‌توانست چندین و چند بچه داشته باشد و نوه‌های قدونیم‌قد دوروبرش را پر کرده باشند، اما در زندگی مشترک، دامنش سبز نشد. در خانواده خودش هم برخلاف خانواده‌های پرجمعیت قدیمی، تک‌فرزند بود و هیچ‌وقت نعمتِ داشتن خواهر و برادر را حس نکرد. این شد که بعد از فوت پدر و مادر و جدایی از همسری که به او علاقه نداشت، از همیشه تنهاتر شد و اندوخته‌ای هم برایش باقی نمانده بود که سقفی بالای سرش داشته باشد یا درآمدی نیم‌بند که روزگارش را با سختی کمتری بگذراند.

مدتی را در خانه دوستانِ قدیمی‌اش گذراند، اما نمی‌خواست «وبالَ» آن‌ها باشد؛ به همین دلیل بدون اینکه جایی برای رفتن داشته باشد، خانه دوستانش را ترک کرد. فامیل دارد، اما به قول خودش، فامیلی که به دردِ آدم نمی‌خورد، نباشد بهتر است.

**سقفی که زود ترک برداشت...**

دستِ قسمت، او را با گروه جهادی مساکینِ‌الفاطمه(س) آشنا کرد. همان وسایل کمی را که از جهیزیه‌اش باقی مانده بود، در حیاط و خانه همسایه‌ها به امانت گذاشتند. فیروزه خانم هم ۱۰ روزی مهمان همسایه‌ها شد تا بالاخره با کمک یک خیر، ۷میلیون تومان برای رهن یک خانه فراهم شد. هنوز یک سال از زندگی زیر سقفی که آرامشش با آرزوهای محدود فیروزه‌خانم همخوانی داشت نمی‌گذشت که بی‌پناهی دوباره به سراغش آمد؛ این‌بار صاحبخانه پایش را در یک کفش کرد و گفت که اجاره می‌خواهد؛ اجاره‌ای که فیروزه‌خانم از عهده‌اش برنمی‌آمد و نتیجه‌اش هم معلوم بود؛ اثاثیه‌اش گوشه‌وکنار کوچه ردیف شد. صاحبخانه هم یک‌میلیون تومان از پول رهن را برداشت و مابقی را به او تحویل داد.

**همچنان بدون مساعدت**

بعداز شروع دوباره قصه آوارگی، فیروزه‌خانم دوباره به کمیته امداد رفت تا شاید بتواند مستمری دریافت کند. از اسفند سال گذشته، برایش پرونده تشکیل و کارت برای دریافت مستمری او صادر شد. در این گیرودار، با ۶میلیون تومانی که از پول خیر باقی مانده بود و ۴میلیونی که خیران دیگر تأمین کردند، یک خانه با رهن کامل ۱۰میلیون تومانی در بولوار طبرسی شمالی برای فیروزه خانم قول‌نامه شد. طبق گفته علی پاکدل، عضو گروه جهادی مساکین‌الفاطمه(س)، همان زمان قرار بود از طرف اداره کل کمیته امداد استان، ۲میلیون تومان بلاعوض برای تهیه مسکن فیروزه‌خانم مساعدت شود، اما این مبلغ پرداخت نشد.

نزدیک ظهر است و ما مهمانِ ناخوانده فیروزه‌خانم هستیم. حیاط باریکی را پشت سر می‌گذاریم تا وارد خانه‌اش شویم. سفره یک‌نفره در خانه نقلی، سوت‌وکور و البته کم‌نورش پهن است. ناهارش هم کمی نان با خرده‌پنیر و فلفل دلمه‌ای است. سریع سفره را جمع‌وجور می‌کند و می‌خواهد بساط چای را آماده کند. وسایل خانه‌اش یکی‌دو فرش، کمد، تلویزیون و رختخواب است که آن‌ها را گوشه خانه چیده است.

**ترس از آوارگی**

می‌پرسم: از سال گذشته تابه‌حال از کمیته امداد مستمری گرفته‌اید؟ و او می‌گوید: تابه‌حال مستمری برایم واریز نشده است، تنها درآمدم همان ۴۵هزار تومانِ یارانه است. حالا چیزی نمانده که یک‌سال رهنِ این خانه تمام شود؛ می‌ترسم باز آواره کوچه و خیابان شوم. باور کنید چراغ‌ها و تلویزیون را خیلی کم روشن می‌کنم، آب کم مصرف می‌کنم تا پولِ قبض کمتر بیاید. اینجا همسایه‌ها دوره قرآن دارند؛ هر زمان که نوبت من می‌شود، خودشان پذیرایی را می‌آورند، چون اوضاعم را می‌دانند. قسمتم این‌طور شده که کس و کاری نداشته باشم. فیروزه‌خانم به تنهایی خو گرفته است. عادت کرده که هم‌زبانی نداشته باشد و خودش کارهایش را رتق و فتق کند، اما این روزها به گفته خودش دائم دل‌نگران است و هر بار کسی در خانه‌اش را می‌زند، تازمانی که جلو در برسد، جان به لب می‌شود که مبادا مأمور برای قطع گاز، برق یا... آمده باشد.

**واریز مستمری فیروزه پس از یک سال**

یک سالی می‌شود که فیروزه خانم درانتظار دریافت مستمری است. ماجرای خانه‌اش هم که مشخص است و ممکن است همین روزها قرار بر رفتنش از این خانه باشد. مدیر روابط عمومی اداره کل کمیته امداد خراسان‌رضوی درباره موضوع، می‌گوید: این تأخیر یک‌ساله دلیل منطقی ندارد. این فرد پیش از این در شهر کوچکی ساکن و در آنجا تحت پوشش بوده است. پس از مهاجرت به مشهد، پرونده وی تعلیق شده و بعد از اینکه محرز شده است می‌تواند تحت پوشش قرار بگیرد. برای او کارت صادر شده است و در این مدت می‌توانست از خدمات فرهنگی، درمانی، حقوقی و مشاوره استفاده کند، اما سیستم واریز مستمری برای او باز نبوده است. سیدغلامرضا موسویان در گفت‌وگو با خبرنگار شهرآرا بیان می‌کند: اگر اعتبار مدنظر تخصیص یابد و سیستم برای ما باز شود، به‌محض اینکه واجد شرایط شناخته شدند، مستمری نیز به آن‌ها تعلق می‌گیرد. به‌دلیل کمبود اعتبار یا محدودیت‌های دیگری که در مرکز وجود داشته است، مستمری برای خانم فیروزه تا این تاریخ واریز نشده است.وی اضافه می‌کند: مسکن نیز برای خانواده‌های مددجو ضروری است و باتوجه‌به خانواده‌های زیادی که در صف انتظار تهیه مسکن هستند، در این مورد اولویت‌بندی صورت گرفته است. اما باید این مددجو نیز سرپناهی داشته باشد و می‌توانیم برای رهن و اجاره مسکن به این فرد کمک کنیم.

وی اضافه می‌کند: تا مبلغ ۲میلیون تومان بلاعوض به خانم فیروزه پرداخت می‌شود؛ همچنین کمیته امداد می‌تواند ۴ یا ۵میلیون تومان تحت عنوان وام کارگشایی به این فرد اختصاص بدهد؛ البته خود وی باید ضامن داشته باشد.

# ژن خوب داشتیم!

## گفت‌وگو با اولین ایرانی که موفق به دریافت جایزه «ایگ نوبل» شده است

الهام مهدیزاده

اولین باری است که یک ایرانی جایزه «ایگ نوبل» را از آن خود می‌کند، جایزه‌ای که به گفته او تمام اندیشمندان و نخبگان جهان سال‌ها برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند تا دست‌هایشان را دور این جایزه گره بزنند. آن‌طور که دکتر ایمان فرحبخش، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد قوچان، می‌گوید، در تعلل یا نبود یک شرکت قوی ایرانی برای تولید این دستگاه، چند کمپانی از کشورهای انگلستان، روسیه و کانادا پای کار آمده‌اند تا خط تولید این دستگاه در کشور آنان آغاز به کار کند؛ دستگاهی که پس از کش و قوسی ۲/۵ ساله و طی کردن آزمون‌های بسیار، موفق به ثبت اختراع در آمریکا شد. دیده شدن این دستگاه در خارج از جغرافیای ایران به همین ثبت اختراع ختم نشد و دانشگاه هاروارد آمریکا که معتبرین دانشگاه جهان است این دستگاه‌را در فهرست ۱۰ دستگاه و اختراع نامزد برای دریافت جایزه شوخی با نوبل قرار داد؛ اقدامی که در نهایت این جایزه معتبر را برای او به ارمغان آورد. او مقطع کارشناسی‌اش را در دانشگاه فردوسی تمام کرد و برای کارشناسی ارشد راهی دانشگاه امیرکبیر شد و در نهایت دکترای خود را در رشته مهندسی مواد و متالوژی، گرایش نانوتکنولوژی، از دانشگاه علم‌وصنعت دریافت کرد. گفت‌وگوی ما با دکتر ایمان فرحبخش، مخترع دستگاه تعویض پوشک و شست‌وشوی کودک(دستگاهی که برای شست‌وشوی نوزاد و تعویض پوشک به والدین کمک می‌کند) پیش روی شماست.

**آقای دکتر! شیروان کجا و دانشگاه هاروارد آمریکا کجا؟ ژن خوب داشتید که این‌گونه از آن سوی کره خاکی برای حضور شما و ارائه دستگاهتان روی خوش نشان دادند؟**

پدرم کارمند بازنشسته است. مادرم هم خانه‌دار است. من و ۲ خواهر و ۲ برادرم همه یا عضو هیئت علمی هستیم یا دارای مدرک دکترا. ما ژن خوب داشتیم. اینکه همه ما در سایه همت پدر و مادرمان آن هم در شهر کوچکی مانند شیروان توانستیم به رده‌های عالی دانشگاهی برسیم و اکنون هر ۵ فرزند پدر من دکتر و عضو هیئت علمی هستند. تاالان ۶اختراع دارم. اینکه اختراع دستگاهی را در آمریکا ثبت کرده و جایزه «ایگ نوبل» را برنده شده‌ام دلیلی برای انجام سریع کارهای اداری من در داخل نیست. خود من هم علاقه‌ای ندارم از داشته‌هایم برای پیشبرد برخی از امورم استفاده کنم.

**با این حرف‌ها که گفتید باید این‌گونه نتیجه بگیریم که اگر جایی برای دریافت تسهیلات یا انجام امور اداریِ اختراعات خود مراجعه کرده‌اید هم اعلام نکرده‌اید که من فلان محقق با این تعداد اختراع هستم.**

نه. تا الان که این گونه نبوده است. شاید جالب باشد بدانید برای دریافت مجوز یک شرکت، ۶ ماه وقت مفید من که می‌توانست برای خلق و طراحی یک ایده مصرف شود صرف شد. ناچار بودم برای ثبت شرکت از این اداره به آن اداره بروم تا بتوانم مجوز بگیرم. دست آخر هم این مجوز به‌جز یک برگ کاغذ ساده و بدون کاربرد، هیچ فایده‌ای نداشت. واقعا باید به جایی برسیم که وقت برایمان طلا باشد و در این رابطه برای افرادی که می‌توانند از فکر خود خلق اثری داشته باشند یا کارآفرینی کنند، شرایط را تسهیل کنیم. واقعا مواردی از این دست که به آن‌ها اشاره کردم همه باعث می‌شود زمان مفید افراد از بین برود. همین حالا یک کارآفرین در کانادا برای دریافت مجوز و ثبت یک شرکت فقط یک هفته زمان نیاز دارد اما این کار برای یک کارآفرین در ایران بسیار طولانی است. واقعا برای کشوری با این تعداد جوان فعال و نخبه، این روند اداری مناسب نیست و روند کارها را سخت و بعضا غیرممکن می‌کند. البته گاهی هم اتفاقات خوبی می‌افتد؛ برای ثبت دستگاه من در فهرست اختراعات آمریکا، اقدامات خوبی از سوی صندوق حمایت از پژوهشگران و نوآوران کشور شد. با حمایت آنان، این دستگاه در آمریکا ثبت شد. اگر قرار بود خودم به تنهایی این کار را انجام بدهم باید حداقل ۴۰ میلیون تومان آن هم با هزینه‌های ارزی چند سال قبل می‌پرداختم. اما باز هم تأکید می‌کنم جوان نخبه یا پژوهشگر ایرانی نیازمند حمایت بیش از پیش مسئولان است. مسئولان اگر می‌خواهند نخبگان ایران که به کشورشان عشق می‌ورزند در کشور بمانند، باید مسیرهای پژوهشی و کارآفرینی را تسهیل کنند. واقعا دردناک است که بگوییم دوسوم همکلاسی‌های من در دانشگاه امیرکبیر در حال حاضر دیگر ایران نیستند.

**دلیل رفتن آن‌ها همین مشکلات بود؟**

بخشی از دلایل آن‌ها همین پیچیدگی امور و سختی‌هایی است که در مسیر یک پژوهش یا کارآفرینی وجود داشت. واقعا حیف است که ذهن خلاق و پژوهشگر جوانی که کشور برای او سرمایه‌گذاری می‌کند در زمان بهره‌برداری و استفاده از خلاقیتش در اختیار ما نباشد و تمام تلاش‌ها و هزینه‌های کشور برای به ثمر رسیدن این جوانان، در نهایت برای کشورهای دیگر به ثمر برسد. این مسئله بیش از آنکه آسیب باشد یک درد است.

**شما چطور؟ قصد رفتن از ایران را ندارید؟**

نه، من به دلیل شرایط تحصیلی و ارائه مقالات علمی تا به حال به بیش از ۳۰ کشور دنیا سفر کرده‌ام. ۲ مرحله فرصت مطالعاتی را در کشورهای ژاپن و ایتالیا پشت سر گذاشته‌ام و برای مدتی در این کشورها تحصیل کرده‌ام. ۳۰ مقاله آی‌اس‌آی و علمی-پژوهشی دارم و برای ارائه در گنگره‌های جهانی شرکت کرده‌ام. تمام این موارد را به این دلیل گفتم که به سؤال شما با دلیل پاسخ بدهم. من به واسطه همین سوابقی که گفتم تجربه زندگی موقت برای تحصیل یا تحقیق را در خیلی از کشورها داشته‌ام. با همین تجربه‌ای که دارم، به شما می‌گویم که هیچ کجای این دنیا برای یک ایرانی بهتر از خود ایران نیست مگر آنکه شرایط زندگی و اوضاع کشور آن‌چنان به‌هم‌ریخته شود که دیگر امکان یک زندگی ساده وجود نداشته باشد. در این باره هم امیدوارم هیچ‌گاه ایران و ایرانی به این مرز نرسند.

**حتما برای زندگی پایتخت را ترجیح می‌دهید چون زندگی و امکانات شهری‌ای که در پایتخت فراهم است شاید در شهرهای دیگر نباشد.**

من اصالتی شیروانی دارم و الان هم در زادگاهم زندگی می‌کنم. در دوران لیسانس چون در دانشگاه فردوسی مشهد قبول شدم تجربه زندگی در مشهد را داشتم. دوره فوق لیسانس و دکترا را در تهران و دانشگاه‌های امیرکبیر و علم و صنعت پشت سر گذاشتم. بنابراین با شرایط زندگی در مشهد و تهران آشنا هستم. به دلیل همین آشنایی، ترجیح می‌دهم در شهرهای کوچک زندگی کنم چون هرقدر شهر کوچک‌تر باشد، دغدغه‌های زندگی شهری کمتر است. در مقابل، می‌توان وقت و فرصت زیادی برای انجام امور دیگر داشت. شاید جالب باشد که بگویم تولد دستگاه تعویض پوشک بچه در همین شهر شیروان و در خانه پدری من بود. حدود ۵ سال زمان برد تا توانستم ایده‌ای را که در ذهن داشتم به دستگاه تبدیل کنم.

**چگونه این دستگاه در جشنواره شوخی با نوبل برگزیده و برنده شد؟**

دانشمندان بیشتر کشورها از سال‌ها قبل روی ارائه اختراعاتی که می‌خواهند به این جشنواره ارسال کنند و برنده شوند فکر می‌کنند تا دست پر این مراسم را ترک کنند. جایزه شوخی با نوبل شرایط خاص و متفاوتی دارد. افرادی می‌توانند در این جشنواره برنده شوند که ایده‌ای خلاقانه و نو ارائه دهند. البته این ایده باید به نحوی باشد که ارائه آن با لبخند مخاطب همراه شود و در کنار آنکه مخاطب را می‌خنداند، او را به فکر وادارد. دستگاه تعویض پوشک بچه این شرایط را داشت. به عبارتی، هر کسی همان ابتدا که اسم این دستگاه را می‌شنود لبخند می‌زند و در کنار لبخند، به اهمیت و ضرورت این دستگاه فکر می‌کند؛ به اینکه این دستگاه چقدر می‌تواند به جامعه بشری خدمت کند و مؤثر باشد. اردیبهشت‌ماه و پس از آنکه این دستگاه در آمریکا ثبت شد، از دانشگاه هاروارد آمریکا ایمیلی با این مضمون دریافت کردم که «اختراع شما جزو ۱۰ اختراع برتر از منظر جایزه ایگ نوبل است.» آن زمان، یک وکیل آمریکایی پیگیر امور اداری ثبت دستگاه بود. او بارها به این نکته اشاره کرد که اولین بار است که کار ثبت دستگاهی را پیگیری می‌کند که هیچ‌گونه نمونه خارجی‌ای ندارد و یک دستگاه کاملا خلاقانه و جدید است. معمولا دستگاه‌هایی که اکنون ارائه می‌شود با ایده‌گیری از نمونه‌ای قدیمی است یا در جهت ارتقای ویژگی‌های آن دستگاه است.

**در موتورهای جست‌وجو هیچ عکسی از شما در مراسم ندیدیم.**

سفر ایرانیان به آمریکا خیلی سخت و تقریبا غیرممکن است. زمان برگزاری این جشنواره نیز باوجود آنکه از دانشگاه هاروارد آمریکا دعوت‌نامه رسمی برای من ارسال شده بود، امکان حضور در این مراسم را نداشتم. البته هم زمان با این جشنواره، برای یک پروژه تحقیقاتی مشترک با دانشگاه ساپینزای رم، به کشور ایتالیا سفر کرده بودم.

**همکاری با این دانشگاه در چه قالبی بود؟**

یک پروژه تحقیقاتی در مورد کیت‌های اندازه‌گیری مقدار قند خون با دقت بسیار بالا بود. مسئولان این دانشگاه رزومه کاری من را دیده بودند و احساس کردند حضور من برای انجام این پروژه تحقیقاتی می‌تواند مفید باشد. دعوت‌نامه رسمی دادند و خواستند ۳ ماه با محققان آن دانشگاه برای تهیه این کار تحقیقاتی همکاری کنم. به دلایل مشغله‌های کاری‌ای که داشتم، در نهایت قبول کردم یک ماه با آنان همکاری کنم. من ترجیح می‌دهم بیشتر روی ایده‌های خودم و انتقال تجربیات به دانشجویانم کار کنم. بیشتر وقت من صرف تبدیل ایده‌ها به دستگاه، مطالعه و انتقال محفوظات به دانشجویان می‌شود.

**چطور شد که دانشگاه آزاد قوچان را برای تدریس انتخاب کردید؟ دوست ندارید در دانشگاه‌های مطرح ایران تدریس کنید؟**

شرایط تدریس من در دانشگاه آزاد قوچان به صورت اتفاقی مهیا شد. من تازه در مقطع دکترا پذیرفته شده بودم و درگیر امور تحصیلی بودم که به من پیشنهاد تدریس در این دانشگاه داده شد. از آنجایی که این دانشگاه به شیروان نزدیک است من نیز این پیشنهاد را پذیرفتم. همان‌طور که گفتم فعلا ترجیحم این است که تمرکز و وقتم را بیشتر برای ایده‌پردازی و خلق ایده صرف کنم.

**این دستگاه فقط مخصوص کودکان است؟**

این دستگاه تنها مخصوصا نوزدان نیست و حتی قابلیت آن را دارد که با تعویض صندلی، برای بزرگ‌سالان و افراد مسن نیز استفاده شود. قطعا برای افراد مسن که سن و سالی از آنان گذشته است، مشکل کم‌توانی جسمی و کمک گرفتن از دیگران برای انجام امور شخصی آزاردهنده است اما با استفاده از این دستگاه، می‌توانند به‌راحتی و بدون آنکه بخواهند منتظر کسی باشند یا بابت درخواست خود شرمنده شوند، امور شخصی‌شان را انجام دهند. بیشترین کاربرد این دستگاه می‌تواند برای مهدها یا مراکز نگهداری افراد کم‌توان جسمی باشد. دستگاه تعویض پوشک کودکان از نظر اندازه و سایز مشابه یک دستگاه ماشین ظرف‌شویی دوازده‌نفره است که داخل آن یک صندلی به صورت نیمه‌خوابیده تعبیه شده است تا باقرار دادن کودک روی آن، عملیات تعویض پوشک انجام شود. کل زمانی که با این دستگاه پوشک کودک تعویض و جایگزین می‌شود ۱/۵ دقیقه است. در این مدت، این دستگاه جدا از تعویض پوشک، مراحلی مانند شست‌وشو و حتی پودر زدن بدن بچه را نیز انجام می‌دهد. خود دستگاه نیز به گونه‌ای طراحی شده است که والدین از قسمت بالایی آن بتوانند مراحل را مشاهده کنند.

**یکی از نکاتی که باید در مورد کودکان به آن اشاره کرد شرایط جسمانی خود کودک است که به دلیل سن کم، وجود یک دستگاه فیزیکی به نوعی می‌تواند سبب آسیب رساندن به بدن کودک شود. برای این موضوع نیز فکری شده است؟**

قطعا سن و وضعیت جسمانی کودکانی که به پوشک شدن نیاز دارند به شکلی است که نباید آسیبی به آنان وارد شود. همین موضوع نیز کار طراحی دستگاه را پیچیده می‌کرد. تمام این موارد، زمان طراحی دستگاه در نظر گرفته شد و به تأیید رسید. حتی در طراحی این دستگاه سعی کرده‌ایم میزان مصرف آب را به حداقل برسانیم. همچنین دستگاه به گونه‌ای طراحی شد که آب استفاده شده برای شست‌وشو با دمای بدن تنظیم شود. تصمیم داشتم این اختراع را بعد آنکه وارد بازار شد رونمایی کنم اما بعد از برگزاری این جشنواره و انتخابم به عنوان نفر برتر، رسانه‌های بسیاری از کشورهای انگلیس، آمریکا، روسیه و ... در مورد این دستگاه با من گفت‌وگو کردند و خبر این دستگاه قبل از آنکه به صورت رسمی وارد بازار شود اطلاع‌رسانی شد.

**هزینه تمام‌شده دستگاه چقدر است و برای تولید انبوه آن فکری شده است؟**

در حال گفت‌وگو با چند شرکت خارجی برای تولید انبوه این دستگاه هستیم. از آنجایی که مذاکرات ما برای تعیین قیمت تمام‌شده با این کمپانی‌ها به منظور عقد قرارداد نهایی نشده است نمی‌توانم در مورد قیمت تمام‌شده توضیحاتی ارائه کنم. قرارداد ما با هرکدام از این کمپانی‌های خارجی که نهایی شد، قطعا در این مورد اطلاع‌رسانی می‌شود.

**کدام کشورها برای تولید این دستگاه اعلام آمادگی کرده‌اند؟**

چند شرکت از کشورهای کانادا، استرالیا و انگلیس برای تولید انبوه این دستگاه اعلام آمادگی کرده‌اند.

**شرکت‌های ایرانی چطور؟**

تا امروز هیچ‌کدام از شرکت‌های ایرانی برای تولید این دستگاه اعلام آمادگی نکرده‌اند.

**چرا؟**

نمی‌دانم. باید از خود تولیدکنندگان ایرانی بپرسید که چرا اعلام آمادگی نکرده‌اند. با این حال، اگر شرکت توانمند ایرانی پای کار بیاید از این حضور استقبال می‌کنم. اگر هم شرکت ایرانی پای کار نیاید و در نهایت با طرف‌های خارجی قرار داد ببندیم، یک خط تولید این دستگاه در ایران خواهد بود تا برای ایرانی‌ها کار و اشتغال ایجاد کند.

**این دستگاه چه زمانی وارد بازار شود؟**

با نهایی شدن قرارداد، به احتمال بسیار، ظرف یکی دو سال آینده این دستگاه وارد بازار خواهد شد. البته حضور اول در بازار نیز مربوط به بازار کشوری خواهد بود که این دستگاه در آنجا ساخته شود.

**آرزوی دست‌نیافته‌ای دارید؟**

همه ما هر روز که از خواب بیدار می‌شویم تا زمانی که به خواب می‌رویم آرزوها و ایده‌های بسیاری داریم. خیلی از ماالان آرزوها را همان روز و تا شب به خاطر داریم و با شروع روز دیگر آرزوها را فراموش می‌کنیم. بعضی از ما نیز به این فکر می‌کنیم که امکان ندارد به این ایده و آرزو دست پیدا کنیم. متأسفانه خیلی از ما با این شرایط از کنار آرزوها و ایده‌هایمان به‌سادگی عبور می‌کنیم. من برای آرزوهایم وقت می‌گذارم تا به آن‌ها برسم. شاید آرزوی دست‌نیافته‌ای داشته باشم اما آن را ناممکن نمی‌دانم و معتقدم برای هر آرزویی باید تلاش کرد. من در جایگاه نصیحت نیستم اما دوست دارم همه ما برای عملی کردن آرزوها و ایده‌هایمان تلاش کنیم.

فیروزه خانم:
**تا به‌حال مستمری برایم واریز نشده است، تنها درآمدم همان ۴۵هزار تومان یارانه است. حالا چیزی نمانده که یک‌سال رهن این خانه تمام شود؛ می‌ترسم باز آواره کوچه و خیابان شوم**

## ایگ نوبل چیست؟

**مراسم ایگ نوبل، یک مراسم اختصاصی علمی است که دانشگاه هاروارد آمریکا، دانشگاه شماره یک دنیا، برگزار می‌کند. در این مراسم پژوهشگران دانشگاه هاروارد به طور سالیانه اختراعات و تحقیقات علمی در دنیا را به صورت موردی و با جزئیات مورد بررسی قرار می‌دهند. از بین این اختراعات و ابداعات، آن‌هایی که دارای جنبه نوآورانه و نو بودن (novelty) باشد، مورد توجه قرار می‌گیرند؛ جنبه مهم‌تر و ویژگی بارز ابداعاتی که از سوی پژوهشگران دانشگاه هاروارد انتخاب می‌شوند، این است که شنیدن اسم آن‌ها ابتدا فرد را به خنده و بعد به اندیشیدن و تفکر درباره آن اختراع وادار کند.**

**پژوهشگران دانشگاه هاروارد هر ساله ۱۰ اختراع با ویژگی‌های فوق در حوزه‌های فنی-مهندسی، پزشکی، اقتصاد و ... را انتخاب و به صاحبان اختراع اعلام می‌کنند که در مراسم ایگ نوبل شرکت کنند. در بیست و نهمین مراسم ایگ نوبل برای نخستین بار در تاریخ قرعه به نام یک ایرانی افتاد تا با اختراع «دستگاه تعویض پوشک و شست‌وشوی کودک» با نام اختصاصی بیبی‌واشر (baby washer) یا «بچه‌شوی» برنده این جایزه شود.**